

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

زنان، حجاب تاریخ

روایتی از تحولات پوشش در ایران
ببررسی کتاب «آن صخره مرجانی»

فاطمه محمودی
خبرنگار حوزه زنان و خانواده



دسته‌ای از زنان و دختران دست به یک آشنایی زدایی عمیق از مفهوم زن زدند. آنها در جست‌وجوی هویت مستقلی برای خود بودند. زنانی که نه خود را در حد زن سنتی می‌دانستند و نه علاقه به زن مدرن شدن داشتند، حال در سپهر عمومی جای خود را به گونه‌ای بازمی‌کردند که حوزه‌هایی که زنان مدرن از آن خود می‌دانستند تسخیر می‌کردند

اگر علاقه دارید بار سفر ذهن خود را ببندید و بروید در دهه‌های گذشته سیر کنید و تغییر و تحولات تاریخ را ببینید؛ از طرفی هم به مباحث حوزه زنان علاقه دارید؛ شما را به سمت «آن صخره مرجانی» راهنمایی می‌کنم. «آن صخره مرجانی» نام کتاب محمد رضا امینی در مورد تحولات اجتماعی پوشش زنان ایران در پیش و پس از انقلاب اسلامی است که انتشارات ایران آن را منتشر کرده است. نویسنده با مطالعه

سوغات فرنگی

نگاه به آثار و مستندات به جای مانده از هر دوره تاریخی می‌تواند ما را از تجربه زیسته مردم آن دوره در وقایع ریز و درشت با خبر کند. این کتاب با هر یادداشت و نامه‌ای که از مجله زن روز، اطلاعات بانوان، تماشا و... آورده است دغدغه‌های زنان آن زمان را پیش چشم مخاطب می‌آورد.

برای مثال همین که مخاطب متن‌های چاپ شده در مجلات دوره پهلوی را می‌خواند به وضوح می‌بیند که معیارهای دختر شایسته آن، چیزی جز زیبایی، خوش پوشی، خوش اندامی و صفات این چنینی نبوده است.

در دوره پهلوی کشف حجاب قرار بود بار ثابت کردن توسعه یافتگی و رهایی از عقب‌ماندگی ایران را به دوش بکشد. در زمانه‌ای که زنان چادری توسط مطبوعات سنتی، عقب مانده، خنگ و دست‌وپا چلفتی خوانده می‌شدند حاکمیت وقت تلاش می‌کرد زنان را وادار کند تا کمتر بپوشند و بیشتر موب‌بر باد دهند تا ظواهر مدرنیزه و فرنگ‌مآبی در شهر هویدا شود. شکاف میان فرهنگ سنتی و مدرن درد بزرگی بود که به دوپاره شدن هویت زنان نیز منجر می‌شد.

ورود مدرنیته، حضور اجتماعی زنان را اقتضا می‌کرد اما در نهایت از جایگاهی منفعل و نمایش اندام پا فراتر نمی‌گذاشت.

و جست‌وجو در چند صد هزار صفحه مطبوعات نیمه دوم پهلوی دوم و سال‌های اول انقلاب قطره قطره داده‌ها را جمع کرده و نتیجه کتابی با کلمات بنفش رنگ است که تحولات وضعیت زنان ایران را از انقلاب سفید شاه تا زمان دفاع مقدس روایت می‌کند. کتاب، تمرکز خود را بر پوشش زنان گذاشته است اما با خواندنش می‌توان تحولات حضور اجتماعی زنان، ساحت‌ها و نحوه حضور را هم فهمید.

بازگشت به خویشتن

فصل دوم این کتاب از بازگشت به خویشتن می‌گوید، چیزی که کم‌گشته زن و جامعه ایرانی بود و حال بعد از گذشت تقریباً ۳۵ سال از کشف حجاب دوباره عده زیادی به آن روی می‌آوردند؛ حجاب و چادر.

دختران چادری در مدرسه‌ها درس می‌خواندند و زنان چادری پست‌های مدیریتی داشتند. حاکمیت نمی‌توانست با چکمه رضاخانی در برابر آنها بایستد و مهم‌ترین ابزارش مطبوعات و رسانه‌ها بودند. در جریان این بازگشت به خویشتن نویسنده آمارهای فراوانی را جمع‌آوری کرده است که نشان می‌دهد سیر صعودی آمار رسانه‌های مذهبی، مراکز مذهبی، سازمان‌های مذهبی، هیأت‌ها و... چگونه بوده است. اما اختصاص دادن ۸ صفحه به آن زیادی مفصل به نظر می‌رسد و شاید خواننده بیشتر دوست داشت از همان نوسانات فرهنگی در حوزه حجاب بداند.

انقلاب دختران

از اوایل دهه پنجاه رفته رفته وضعیتی در جامعه رقم خورده بود که اقبال مردم به مذهب و مظاهر آن از جمله چادر روزبه‌روز بیشتر می‌شد. این موضوع، حاکمیت را بر آن داشت تا از فضای بلاتکلیفی بیرون بیاید و در مواجهه با مقوله حجاب کنش داشته باشد؛ البته باز هم از تدارک سیاستگذاری دقیق

عاجز بود و پیشنهاد تحقیر چادری‌ها را داد. در همین بجه‌دسته‌ای از زنان و دختران دست به یک آشنایی زدایی عمیق از مفهوم زن زدند. آنها در جست‌وجوی هویت مستقلی برای خود بودند. زنانی که نه خود را در حد زن سنتی می‌دانستند و نه علاقه به زن مدرن شدن داشتند، حال در سپهر عمومی جای خود را به گونه‌ای بازمی‌کردند که حوزه‌هایی که زنان مدرن از آن خود می‌دانستند تسخیر می‌کردند.

حاکمیت از اینکه چادر و مفهوم آن دوباره قرار بود به متن جامعه برگردد احساس خطر می‌کرد و صاحبان قلم هم به بیان مضرات چادر و عده‌ای به تحقیر آن پرداختند. برخی نیز راه مصالحه را در پیش گرفتند؛ از جمله مجله زن روز که زمانی سردمدار نفی چادر و تشویق به بی‌حجابی بود.

اما اعتراضاتی که علیه او روانه شد اجازه نداد در آن بازه زمانی چادر را به رسمیت بشناسد بلکه راه جدیدی باز کرد و آن هم ارائه پیشنهادهای به عنوان جایگزین چادر بود. لباسی که هم پوشاندگی چادر را داشته باشد هم به قول تحقیرکنندگان چادر دست‌وپاگیر نباشد اما در این راه چندان موفق نبود.

حجاب، نماد مبارزه انقلابی

یک سال مانده به انقلاب اسلامی در ۱۷ دی، سالروز کشف حجاب، جرقه تظاهرات علیه کشف حجاب زده شد و تظاهرات زنان همچنان پیش رفت تا به انقلاب اسلامی پیوند خورد. مطبوعات نیز با اینکه دچار شوک شده بودند اما کم‌کم ورق خود را به سمت این نهضت برگرداندند. حالا چادر نیز به نمادی برای اعتراض و ابزاری برای کنش تبدیل شده بود. چرخش زمین، ایران را به بهمن ۵۷ رسانده است و حالا در روزهای انقلاب دیگر مردم دعوای بین زن و مرد را جنگی زرگری بی‌ش نمی‌دانند و حجاب از مسأله بودگی خود دور می‌شود و جنس مسأله‌ها رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد.

سکانس آخر، زنان نهضت

فصل آخر کتاب نوسانات مسأله حجاب پس از پیروزی انقلاب را به تصویر می‌کشد. تظاهرات‌ها از سمتی دیگر شروع شد. این بار باد از سمت «نه به حجاب اجباری» وزیدن گرفت؛ سپس با سخنان رهبر انقلاب شعله‌های زیادی از این آتش خوابید؛ چرا که باز هم عده کثیر زنان با حجاب مخالف نبودند بلکه بیشتر می‌ترسیدند که انقلاب پای حضور در اجتماعی‌شان را قلم کند. با شروع پاکسازی وزارتخانه‌ها و ادارات توسط انجمن اسلامی، تظاهرات ضد حجاب جان دیگری گرفت اما به هر حال پرونده این تظاهرات تا پایان سال ۵۸ بسته شد.

کتاب تاریخ ایران به صفحه جنگ تحمیلی می‌رسد به قول نویسنده آغاز جنگ پایانی بود بر بسیاری از مجادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی. جنگ برخی از مسأله‌ها را حل و برخی از صورت مسأله‌ها را هم پاک کرد. جنگ دغدغه‌های جدیدتر و جدی‌تری با خود آورد و پرونده نیمه باز حجاب را بست و کنار گذاشت. زنان ایرانی که نویسنده از آنان به عنوان زنان نهضت یاد می‌کند با حجاب به میدان رفتند و گره‌های بزرگی از ایران درگیر جنگ را باز کردند، چیزی که مطبوعات زمان پهلوی حتی تصورش را هم نمی‌کردند.

این یک سفر تاریخی بود اما اگر سری بچرخانیم در عصر حاضر هم مکتوبات آورده شده در کتاب برایمان غریب نیست. از شکاف بین زن سنتی و مدرن گرفته تا ایجاد جایگزینی برای چادر تا گفت‌وگوهای بین با حجاب‌ها و بی‌حجاب‌ها که گاهی جای خود را به جدل می‌دهد. خوب بود نویسنده از یافته‌هایش پلی می‌زد به این زمان و بیشتر خلأهای فرهنگی را به صورت‌تومان سیلی می‌زد. نویسنده علت دوباره مسأله شدن حجاب در زمانه اخیر را از چشم افکار غربی می‌بیند و علاوه بر آن معتقد است الگوی زن انقلاب به خوبی معرفی نشده است. دو علتی که جای توضیح و تفصیلش در کتاب خالی به نظر می‌رسد.